

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویتی زنان

آسیه آقایی حسین آبادی^۱

منصور حقیقتیان^۲

ناصر حجازی^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

چکیده

این پژوهش به منظور مطالعه تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت زنان طراحی شده است. ایده اصلی تحقیق از نظریه گیدنز استخراج شده که مکان‌های جدید را بر هویت گروه‌های مختلف به واسطه بازاندیشی مؤثر می‌داند. با توجه به این که باغ بانوانها به‌تازگی در برخی از شهرهای ایران از جمله اصفهان تأسیس شده‌اند، به نظر می‌رسد که این فضاها می‌توانند بر بازاندیشی و هویت نوین زنان مؤثر باشند. در این پژوهش ۳۳۰ نفر از زنان شهر اصفهان که طی یک دوره زمانی ۳۰ روزه به باغ‌های این شهر مراجعه کرده‌اند به‌عنوان نمونه آماری از جامعه آماری شهر اصفهان انتخاب شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای و سپس اتفاقی بوده و از میان ۶ باغ بانوان شهر اصفهان، ۴ باغ انتخاب و پاسخ‌گویان سپس از میان این باغ‌ها برگزیده شده‌اند. روش انجام این مطالعه نیز مبتنی بر پیمایش و تکنیک گردآوری داده‌ها مبتنی بر پرسشنامه بوده است. یافته‌ها نشان داده‌اند که فضاهای نوین شهری تأثیرات مؤثری بر تغییر دیدگاه و بازاندیشی هویتی زنان داشته‌اند اگرچه این تغییرات به دلیل تازگی تأسیس باغ‌ها غالباً در حوزه نظری صورت گرفته و هنوز تا بروز تغییرات عملی ناشی از فضاهای نوین راه زیادی در پیش است.

واژگان کلیدی: زنان، هویت، بازاندیشی، فضاهای نوین شهری.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول).

Mansour_haghighatian@yahoo.com

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

مقدمه

معمای هویت، دست کم در چند دهه گذشته، توجه اغلب صاحب نظران عرصه روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی را به خود جلب کرده است. فرآیندها و تحولات دهه‌های اخیر چه در زمینه‌های فرهنگی و چه در عرصه‌های ساختاری به تعدد، تنوع و گاه تعارض منابع هویت‌ساز منجر شده است. امروزه کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که از پیامدهای این فرآیندها بی‌نصیب مانده باشد. تحولات ایجاد شده، نه تنها زندگی مادی، بلکه ابعاد غیرمادی آن را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است. فاصله گرفتن انسان‌ها از منابع هویت‌ساز سنتی و روی آوردن آنان به شیوه‌های جدید زندگی و تفکر، باعث شده تا انسان‌ها در تعریف هویت و کیستی از خود دچار شک و تردید شوند. بازاندیشی در هویت، از جمله خصلت‌هایی است که در نتیجه این تردید، بروز یافته است. این خصلت اگرچه در حلقه تاریخ همواره همراه کنش انسانی بوده، اما در دوران اخیر به شکل دیگری درآمده و به بخشی جدایی‌ناپذیر زندگی از بشر تبدیل شده است (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۶۵). با این وجود با توجه به گرایش قابل توجه زنان پیرامون تغییر نقش و هویت سنتی‌شان، به نظر می‌رسد در جوامع امروزی زنان بیش از مردان از بازاندیشی متأثر باشند. به اعتقاد گیدنز نیز مهم‌ترین اتفاقی که در این زمان در حال وقوع است این است که دیگر زنان بر اساس آنچه فرهنگ یا سرنوشت مختوم به آن‌ها دیکته می‌کند یا در چارچوب سرنوشتی که به واسطه آن نقش‌های‌شان از پیش تعیین شده است زندگی نمی‌کنند. پس می‌توان گفت منابع هویت‌یابی زنان از جمله به دلیل افزایش سطح تحصیلات، اشتغال، تعدد روابط اجتماعی، تعلقات گروهی زنان و خارج شدن آنها از چارچوب خانه و حضور در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضاهای شهری، متعدد و متکثر شده است.

جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر با ورود بیش از پیش زنان و دختران به محیط‌های کار و آموزش که در تناقض با دیدگاه‌های سنتی است، مواجه شده است. با این وجود برخی معتقدند ما در این زمینه با «تأخر فیزیکی» رو به رو هستیم. به این معنا که علی‌رغم مهیا گشتن بسیاری از زمینه‌ها برای ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی، مکان‌های فیزیکی فاقد توانایی برای جذب آنان می‌باشند. در واقع محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و کمبود امکانات در عرصه‌های عمومی باعث شده تا زنان نتوانند به خوبی از موقعیت‌های خود بهره بگیرند و کمتر در فضاهای شهری حضور داشته باشند. بسیاری از کارشناسان معتقدند ایمنی شهرها که منوط به امکان استفاده همه گروه‌های سنی - جنسی از فضاها بوده، در مورد جامعه ایرانی هنوز صادق نیست. به اعتقاد آنان، ساخت‌وساز و برنامه‌ریزی‌های شهری نادرست، استفاده اقسار مختلف جامعه را از فضاهای شهری تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که گاهی به خاطر نبود توجه کافی به زنان، آنان از زندگی سالم و صحیح شهری محروم می‌مانند (محمدی، ۱۳۹۸). زیرا این فضاها عموماً مردانه بوده و به سبب ویژگی‌های کالبدی خاص خود، امکان حضوری ایمن را برای زنان فراهم نمی‌سازند (رضایی و برومند، ۱۳۹۰: ۵).

انديشمندان فمینیست توافق دارند که شهر، مردساخته است و زنان سهم اندکی در برنامه‌ریزی و ساخت آن داشته‌اند و منافع اندکی نیز از محصور بودن در محیط مردساخته می‌برند (هاچینسون^۱، ۲۰۰۶: ۱۴۸). به اعتقاد این محققان، اگر ما نقش انسان را به‌عنوان محور توسعه پذیرفته باشیم باید نقش و جایگاه زن را به‌عنوان بخشی از جمعیت انسانی جوامع بشری پذیرا باشیم. زنان که سهمی از جمعیت را شامل می‌شوند، همچون مردان باید در این سهم دخیل و شریک باشند. در ایران، برخی از آمارها چه در حوزه عمومی نظیر قوانین و چه در حوزه خصوصی مانند فضاهای بیرونی مانند پارک‌ها حاکی از وجود و بروز مسئله نابرابری‌های عمیق میان زنان و مردان و توجه ناکافی به زنان در جامعه ایرانی دارد (محمدي، ۱۳۹۸). به همین منظور امروزه ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاست‌های شهری، با اهداف اصلاح بنیادی نابرابری جنسیتی مورد توجه قرار گرفته است. دستیابی به این موضوع، مستلزم ایجاد تعادل و برابری در فرآیند تصمیم‌گیری برای اطمینان از فرصت‌های برابر برای زنان و مردان و سهولت دسترسی به خدمات و امکانات شخصی و جمعی و تقویت حس تعلق به مکان برای زنان است. یکی از این مکان‌ها پارک‌های بانوان است که در جهت بهبود کیفیت زندگی شهری بانوان عمل می‌کند. این پارک‌ها ویژه زنان است و مردان حق عبور و مرور و تردد در آنها را ندارند. از نگاه محققان حضور زنان در فضاها و مراکز نوین شهری منجر به بازانديشی هویت، بازنگری و تأمل در بسیاری از هنجارها، رزش‌ها و پیش‌پنداشت‌های زنان می‌شود و آنها را به صرافت پرسش از کیستی، چیستی و تعیین موضع خود در برابر روابط و مناسبات پیشین در محیط و عرصه‌های دیگر وا می‌دارد. در این پژوهش کوشیده‌ایم نشان دهیم که این پارک‌ها که به تازگی در شهری نظیر اصفهان تاسیس شده‌اند چقدر بر بازانديشی هویت زنان موثرند و چه آثاری را در این رابطه به دنبال داشته‌اند؟ به عبارت دیگر در این تحقیق در صدد هستیم تا وضعیت فضاهای شهری و بازانديشی هویت زنان در شهر اصفهان را مورد مطالعه قرار دهیم.

مسئله توجه به حضور و ورود زنان در عرصه‌های اجتماعی و تأثیرات آن بر بازانديشی زنان در مورد هویت جدید، مبحث تازه‌ای نیست با این وجود این مسئله در میان تحقیقات داخلی به ندرت مشاهده می‌گردد. در میان تحقیقات خارجی بروکس و لیونل وی^۲ (۲۰۰۸) بازانديشی و تحول هویت جنسی در بین زنان سنگاپوری ۴۰ تا ۶۰ ساله و دارای تحصیلات دانشگاهی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها به این نتایج دست یافتند که زنان درصدد هستند تا با توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی سنگاپور یعنی پدرسالاری و اقتدارگرایی، تأثیرات جهانی را با توجه به موقعیت خود بپذیرند. پریگ (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان می‌دهد که هر چه میزان مصرف دختران جوان از رسانه‌ها بالاتر می‌رود رضایت آنها از هویت کاهش می‌یابد؛ زیرا اکثر برنامه‌های رسانه‌ها در جهت دلسرد کردن دختران از داشتن حقوق برابر با مردان برنامه‌ریزی شده است (به نقل از کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). کرنیچن (۲۰۰۴) پارک را به‌عنوان فضای عمومی

1 -Hutchison

2 -Brooks & Wee

در تجربیات مثبت و منفی زنان معرفی و امنیت را به عنوان موضوعی حساس در توصیف تجربیات زنان و چارچوبی برای درک بهتر محدودیت‌ها و امکان حضور زنان در محیط‌های عمومی بیان می‌کند. او در تحقیق دیگری در ۲۰۰۶ به بررسی فعالیت‌های فیزیکی زنان در پارک‌های شهری در بروکلین، نیویورک، آمریکا پرداخت و برداشت زنان را از چشم‌انداز پارک به‌عنوان محل کالبدی فعالیت روزمره نشان داد. از نظر وی پارک ارائه‌دهنده پشتیبانی برای نیازهای بدن از جمله اتاق استراحت و آزادی برای پوشیدن لباس راحت است. در میان تحقیقات داخلی نیز حجازی (۱۳۹۶) به بررسی میزان تجددگرایی جوانان پرداخته و سپس تأثیر تجددگرایی و مؤلفه‌های آن یعنی جهت‌گیری جهان، فردگرایی، آینده‌گرایی، نگرش‌های جنسیتی، مدرگرایی، خرافه‌زدایی، جهت‌گیری دموکراتیک و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی را بر بازاندیشی هویت جوانان مورد بررسی قرار داده که در نتیجه میانگین متغیر تجددگرایی و بازاندیشی هویت و ابعاد آن‌ها بالاتر از حد متوسط برآورد شده است. کریمی (۱۳۹۴) تحقیقی را با عنوان بررسی تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر بازاندیشی هویت جنسیتی (مطالعه موردی: جوانان شهر تهران) انجام داده است. بر اساس یافته‌ها بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و بازاندیشی هویت جنسیتی رابطه وجود دارد؛ و در تحلیل رگرسیون این متغیر به تنهایی ۷۲/۵ درصد متغیر بازاندیشی هویت جنسیتی را تبیین می‌کند.

مطالعات انجام شده گویای آن است که در شرایط کنونی و با تغییراتی که در زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جوامع رخ داده، حاکمیت بی‌چون‌وچرای سنت بر زندگی افراد مورد تردید قرار گرفته و هویت‌های ثابت دوران سنتی جای خود را به هویت‌های تغییرپذیری داده‌اند که دائماً مورد بازاندیشی و واکاوی قرار می‌گیرند. تحت این شرایط زنان، دیگر نقش‌های کلیشه‌ای و فرهنگ جامعه را به راحتی نمی‌پذیرند و در مقابل پذیرش نقش‌های جنسیتی سنتی مقاومت می‌کنند و این همان مسئله‌ای است که در تحقیقات قبلی به ندرت مورد توجه بوده است. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان در بیان نوآوری تحقیق حاضر به این نکات اشاره نمود:

ایجاد امکانات مکانی بدون ارزیابی هویت، تصویر روشنی را از رضایت زنان از این خدمات نشان نمی‌دهد؛ بنابراین انجام تحقیقات در این زمینه امری ضروری است.

توجه به خواسته‌ها و نیازهای زنان که تقریباً نیمی از شهروندان و گروه‌های اصلی حاضر در عرصه عمومی و فضاهای شهری را تشکیل می‌دهند، به‌صورت همه‌جانبه و در تمامی حوزه‌های شهری از جمله کالبدی، فضای، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی ضروری است. همچنین شهر اصفهان به دلیل دارا بودن فرهنگی سنتی، به زنان امکان استفاده از پارک‌ها و فضاهای عمومی را به راحتی و تنهایی نمی‌دهد. پس فضاهای نوینی همچون باغ بانوان می‌تواند تأثیراتی بر بازاندیشی هویت زنان داشته باشد که در این تحقیق به بررسی این تأثیرات پرداخته می‌شود.

دیگر این که این پژوهش موضوع بازاندیشی هویت زنان را به صورتی همه‌جانبه مورد مطالعه قرار می‌دهد. در حالی که معمولاً تحقیقات قبل تنها به یک بعد یا دو بعد از هویت توجه داشته‌اند.

در کم‌تر تحقیقات انجام شده، به فضاهای شهری نوین با تأکید بر باغ بانوان توجه شده است. این بحث که جنسیت تا چه حد در چگونگی اوقات فراغت تأثیر دارد، بسیار مشکل است. تحقیقات نشان می‌دهد که سه عامل کلیدی در فراغت تأثیرگذار است: زمان، فعالیت و فضا. زنان در هر سه مورد، وضعیت نامساعدی برای فراغت دارند. وقت آن‌ها برای فعالیت‌های اوقات فراغت محدود است. مسئولیت‌های خانه به‌گونه‌ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرکز کار و اوقات فراغت را دشوار می‌سازد؛ و فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آن جا به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدودند. براساس تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، بیشترین میزان اوقات فراغت زنان در شهرهای بزرگ، صرف فعالیت‌هایی مانند ورزش، مسائل مذهبی، سیر و سفر، فعالیت‌های هنری (نقاشی، سفال، قالی‌بافی، معرق و...) مطالعه (روزنامه، کتاب و مجله)، سرگرمی‌های دیگر مانند رادیو، تلویزیون، کار با رایانه و سرگرمی‌های بیرون از منزل مانند سینما و موزه و تئاتر و خیابان‌گردی و ... می‌شود (عابدین‌زاده، ۱۳۷۶: ۶۶). این مسئله در شهرهای بزرگ‌تر بیشتر صادق است. بر این اساس در جوامع جدید هویت‌یابی تحت تأثیر فضای بیرونی و روابط گروهی و از سوی دیگر متأثر از تجربه‌های زندگی زنان در حال بازانديشی است. بنابراین احداث و گسترش مجموعه باغ‌های بانوان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اجتماعی‌کننده در جوامع شهر مدرن با بازنمایی الگوهای هنجاری و مکانی حاکم بر روابط زنان در زندگی روزمره زنان و هویت‌بخش جنسیتی بازانديشانه آن‌ها نقش مهمی دارد (غیاثوند، ۱۳۹۵: ۳۱۳). بازانديشی به مثابه سازوکار عمل می‌کند که منجر به تسهیل سازگاری سیستم با محیط می‌شود. این امر در نتیجه تنظیم پاسخ‌ها و کاهش پیچیدگی صورت می‌گیرد. در واقع، بازانديشی به کنشگران این توانایی را می‌دهد که در مورد بدیل‌های جدید کنش تأمل کنند.

از دیدگاه گیدنز بازانديشی «خود» وارد محدوده بدن نیز می‌شود و با این رویکرد بدن دیگر شیء منفعلی تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از یک نظام کنشی است. فاعل و سوژه به‌طور مرتب بر فرآیندهای جسمی خود نظارت دارد و آگاهی از چگونگی بدن، برای دریافتن تمام‌عیار هر لحظه از زندگی از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۱۴). به اعتقاد گیدنز حالات چهره و دیگر حرکات بدن فراهم آورنده قرائن و نشانه‌هایی است که ارتباطات روزمره ما مشروط به آن‌ها است؛ به عبارت دیگر، برای این که بتوانیم به طور مساوی با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی شریک شویم، باید قادر باشیم نظارتی مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خویش اعمال کنیم (گیدنز، ۱۳۹۲: ۸۷). به اعتقاد وی فردی که در مکان‌های همگانی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند می‌کوشد تا کردارش مطابق با ضوابط عمومی باشد. افراد می‌کوشند تا نمای ظاهری و کردار خود را به اقتضای وضع و حال هر نوع محیط هماهنگ سازند. به طور کلی گیدنز پرورش، دست‌کاری و نحوه برخورد با بدن را یکی از عناصر ساختاری هویت شخصی و ناشی از بازانديشی می‌داند. فوکو^۱ پرداختن به مدیریت بدن در زنان را در نتیجه بازانديشی،

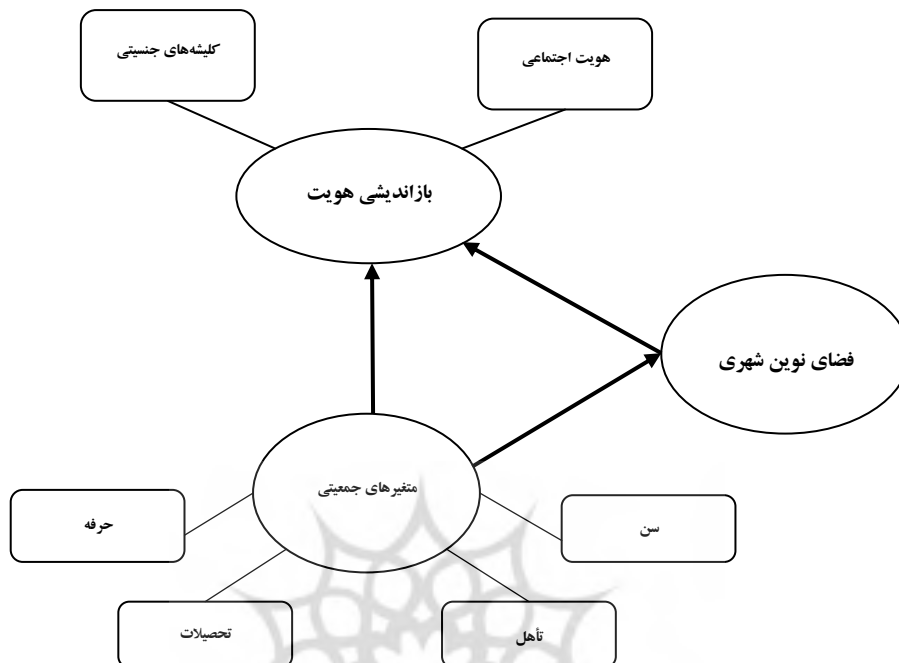
1 -Mishel foucoulf

ناشی از تلاش آنان برای اعمال و ابزار قدرت می‌بیند. به اعتقاد وی، لباس آشکارا وسیله‌ای برای عرضه نمادین خویشتن است. رژیم‌ها بر اساس خشنودسازی و یا محروم‌سازی استوارند. رژیم‌ها شیوه‌هایی برای منضبط ساختن خویشتن‌اند و تنها به تنظیم آداب و رسوم محدود نمی‌شوند. آن‌ها عادت‌های شخصی‌اند که به اقتضای مقررات اجتماعی شکل گرفته‌اند، ولی تمایلات شخصی و آمادگی‌های ذاتی نیز در این شکل‌گیری بی‌تأثیر نبوده است. رژیم‌ها برای هویت شخصی اهمیتی اساسی دارند چون عادت‌های رفتاری را با بعضی از جنبه‌های مشهود ظواهر بدن مربوط می‌سازد.

در ایران در سال‌های اخیر، گام‌های مثبتی برای ایجاد امکانات و تأسیسات ورزشی و تفریحی برای زنان برداشته شده است. به اعتقاد لوفر فضای درون یک پارک، ویژگی‌ها و امکاناتی که پارک در اختیار فرد می‌گذارد. این مفهوم به بعد مادی تعامل هویت افراد و فعالیت اجتماعی افراد اشاره دارد (پریگ^۱، ۲۰۰۸: ۴۸). در پارک بانوان فضایی متضاد با خانه پدید می‌آید؛ جایی که زنان می‌توانند در آن آزاد و مختار باشند. آن‌ها می‌توانند آزادانه خود را به نمایش بگذارند؛ در فضای شهر نوین حضور یابند و با امنیت خاطر قدم بزنند. اما کارکرد این پارک‌ها نمایش خود، دوست‌یابی، ورزش، شرکت در کلاس‌های متعدد، تفکر در مورد وضعیت قبلی (بازاندیشی) و غیره است. بنابراین نگاه به پارک‌های مدرن امروزی به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری باید نگاهی متفاوت از فضایی صرفاً تفریحی و گردش‌ی باشد. بازاندیشی که به اعتقاد گیدنز عنصر اساسی در مدرنیته است، در هویت آدمی نیز امتداد می‌یابد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۵۶). گیدنز بر این عقیده است که با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان به دلیل «بازبودن» زندگی اجتماعی امروزی و همچنین به علت تکثیر یابی زمینه‌های عمل و تنوع «مراجع» انتخاب شیوه زندگی، بازاندیشی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۰). به اعتقاد وی در این جا فرد از میان گزینه‌ها، انتزاعی فراهم می‌کند که باید هویت خود را پیدا کند. فرد به کمک تکنیک‌های گوناگون فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت خود فراهم می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

¹ Walter prigge

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازانديشی هویتی زنان



شکل (۱): مدل نظری پژوهش

با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار خواهند گرفت:

۱- تغییرات فضاهای شهری مدرن بر بازانديشی هویت زنان اثر گذار است.

۱-۱- فضاهای شهری جدید بر کلیشه‌های جنسیتی زنان اثر دارد.

۱-۲- بین فضاهای شهری جدید و هویت اجتماعی رابطه وجود دارد.

۱-۳- بین فضاهای شهری مدرن و مدیریت بدن رابطه وجود دارد.

روش

در تحقیق حاضر، از روش پیمایش استفاده شد. جامعه آماری شامل تمامی زنان ۱۸ تا ۵۰ سالی است که در سال ۹۸ از باغ‌های بانوان شهر اصفهان استفاده نموده‌اند. در شهر اصفهان شش باغ بانوان وجود دارد که ۳ مورد از آن‌ها زیر نظر سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری یک باغ زیر مجموعه شهرداری منطقه ۶، یک باغ زیر مجموعه شهرداری منطقه ۱۵ و یک باغ زیر مجموعه شهرداری منطقه ۸ می‌باشند.

۱- جمعیت زیر ۱۸ سال بنا به تعریف کنوانسیون حقوق کودک، کودک تلقی می‌شوند و بنابراین نمی‌توانند پاسخگویان مناسبی برای پرسش‌های پژوهش ما باشند.

برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای و اتفافی استفاده شد. ابتدا ۱۵ منطقه شهر اصفهان انتخاب شده، سپس از بین ۶ باغ بانوان، باغ‌های نوش، پردیس، نازوان و طلوع انتخاب شدند. با توجه به ویژگی‌ها و مشخصات جامعه، از شیوه کوکران برای جامعه‌های نامشخص استفاده شد با توجه به نتایج آمار و سرشماری نفوس و مسکن در سال (۱۳۹۵) ۴۹ درصد از جمعیت شهر اصفهان متعلق به زنان بوده است. بر این اساس اندازه حجم نمونه ۳۲۲ نفر به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS22 و Amos استفاده شد. بررسی اعتبار داده‌ها نیز از طریق اعتبار محتوایی (تحلیل عاملی اکتشافی و تکنیک اعتبار هم‌گرا (شاخص AVE)) استفاده شد. برای آزمون پایایی پرسشنامه با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی (پیش‌آزمون) و به کمک نرم‌افزار SPSS، آلفای کرونباخ برای متغیرها محاسبه گردید.

جدول (۱): شاخص‌سازی متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته	ابعاد	مؤلفه‌ها	بارهای عاملی		آلفای کرونباخ
			دوران نیافته	دوران یافته	
			I	II	
بازاندیشی هویت	هویت اجتماعی	-	۰/۵۰	۰/۸۰	۰/۸۸
			۰/۸۵	۰/۲۴	
مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی	-	-	۰/۷۹	۰/۳۲	۰/۹۱
			۰/۷۰	۰/۱۶	
زیبایی چهره	-	-	۰/۶۰	۰/۹۰	۰/۸۹
			۰/۹۰	۰/۲۴	
مدیریت بدن	-	-	۰/۲۵	۰/۹۵	۰/۸۶
			۰/۸۰	۰/۳۰	
بهداشت بدن	-	-	۰/۶۰	۰/۷۶	۰/۹۰
			۰/۹۰	۰/۱۳	
فضای شهری	-	-	۰/۲۵	۰/۹۵	۰/۸۹
			۰/۷۴	۰/۴۴	
طراحی فضای درونی پارک	-	-	۰/۶۰	۰/۷۶	۰/۹۰
			۰/۹۰	۰/۴۸	
طراحی فضای بیرونی پارک	-	-	۰/۲۹	۰/۴۴	۰/۸۳
			۰/۷۴	۰/۷۸	
امنیت و آرامش فضا	-	-	۰/۲۹	۰/۷۳	۰/۸۸
			۰/۷۴	۰/۸۳	
گذراندن اوقات فراغت	-	-	۰/۲۹	۰/۷۳	۰/۸۸
			۰/۷۴	۰/۸۳	

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ داده‌های متغیرهای جمعیت‌شناسی پژوهش نشان می‌دهند که حدود ۳۸ درصد از زنان مورد مطالعه در پژوهش حاضر ۱۸ تا ۲۸ سال، ۴۷ درصد نیز در گروه سنی ۲۹ تا ۳۹ سال قرار می‌گیرند که این گروه از زنان بیش‌ترین میزان فراوانی را در مقایسه با دیگر گروه‌ها دارا می‌باشند و سرانجام حدود ۱۵ درصد از زنان بین ۴۰ تا ۵۰ سال می‌باشند که فراوانی این گروه از بقیه کم‌تر است. هم‌چنین براساس داده‌های این پژوهش، تحصیلات حدود ۴۸ درصد از پاسخ‌گویان کم‌تر از دیپلم می‌باشد که این گروه بیش‌ترین میزان فراوانی را دارند. حدود ۴۴ درصد تحصیلات خود را دیپلم تا لیسانس معرفی کرده‌اند و سرانجام ۸/۵ درصد گفته‌اند که تحصیلات بالاتر از لیسانس دارند. فراوانی تحصیلات پاسخگویان بیانگر آن است که حدود ۱۹ درصد از زنان دانشجو می‌باشند؛ ۴۲ درصد شغل خود را خانه‌دار، ۶ درصد بیکار یا بازنشسته، و ۲۷ درصد وضعیت کاری خود را شاغل معرفی کرده‌اند. فراوانی وضعیت

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازانديشی هویتی زنان

تاھل پاسخگویمان نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از زنان مجرد و بقیه یعنی حدود ۷۰ درصد دیگر متاھل هستند.

داده‌های متغیرهای اصلی پژوهش (جدول شماره ۲) نیز بیانگر این است که متغیر فضاهای نوین شهری که از ۴ خرده مؤلفه امنیت و آرامش، نحوه و کیفیت گذران اوقات فراغت در این فضاها، طراحی فضای درونی این مکان‌ها و طراحی فضای بیرونی آن‌ها تشکیل شده است. از این میان، طراحی فضای درونی پارک ضعیف‌ترین مؤلفه و کیفیت گذران اوقات فراغت مطلوب‌ترین مؤلفه بوده است. معنای این یافته آن است که زنان طراحی فضای درونی پارک را نامناسب دانسته‌اند و شاید از همین رو امنیت و آرامش خود را در این فضاها ناچیز عنوان نموده‌اند؛ در حالی که آن‌ها در مورد وضعیت طراحی بیرونی فضای پارک نظر مساعدتری عنوان کرده‌اند. نکته دیگر آن که زنان عنوان کرده‌اند که از نحوه گذران اوقات فراغت خود در این فضاها رضایت نسبتاً مطلوب دارند. بنابراین در صورتی که طراحی داخلی این فضاها به گونه‌ای باشد که هم از جذابیت بیش‌تر برخوردار بوده و هم بر امنیت و آرامش آن بیافزاید احتمال مراجعه زنان به آن و هم‌چنین تأثیرپذیری آنان از این فضاها افزایش یابد. در میان مؤلفه‌های مدیریت بدن نیز زیبایی چهره بدترین وضعیت و بهداشت بدن مطلوب‌ترین وضعیت را در این میان دارد. به این معنا که زنان بهداشت بدن را بیش از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار می‌دهند در حالی که به تناسب اندام و زیبایی چهره که مؤلفه‌های جدیدتری در مدیریت بدن می‌باشند اهمیت کم‌تری داده‌اند. این مسئله به این معنا است که زنان مراجعه‌کننده هنوز به بازانديشی کافی هویت خود نرسیده‌اند.

جدول (۲): توزیع پاسخگویمان بر اساس متغیرهای پژوهش

متغیرها	فراوانی			درصد فراوانی			
	ضعیف	متوسط	شدید	کل	ضعیف	متوسط	شدید
بازانديشی هویت	۶۸	۲۴۸	۱۴	۳۳۰	۲۰/۶	۷۵/۲	۴/۲
مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی	۹۸	۲۱۸	۱۴	۳۳۰	۲۹-۷	۶۶/۱	۴/۲
هویت اجتماعی	۱۰۶	۱۹۴	۳۰	۳۳۰	۲۲/۱	۵۸/۸	۹/۱
مدیریت بدن	۱۲۰	۲۰۳	۷	۳۳۰	۳۶/۴	۶۱/۵	۲/۱
زیبایی چهره	۸۰	۲۲۴	۲۶	۳۳۰	۲۴/۲	۶۷/۹	۷/۷۹
تناسب اندام	۱۰۶	۲۱۰	۱۴	۳۳۰	۲۲/۱	۶۳/۶	۴/۲
بهداشت بدن	۱۴۳	۱۸۱	۶	۳۳۰	۴۳/۳	۵۴/۸	۱/۸
فضاهای نوین شهری	۲۱	۲۱۰	۹۹	۳۳۰	۶/۴	۶۳/۶	۳۰/۰
امنیت و آرامش	۸۳	۲۰۸	۳۹	۳۳۰	۲۵/۲	۰/۶۳	۱۱/۸
گذران اوقات فراغت	۶۳	۲۰۱	۶۶	۳۳۰	۱۹/۱	۶۰/۹	۲۰/۰
طراحی فضای بیرونی	۷۱	۱۹۰	۶۹	۳۳۰	۲۱/۵	۵۷/۶	۲۰/۹
طراحی فضای درونی	۷۷	۲۴۲	۱۱	۳۳۰	۲۳/۳	۷۳/۳	۳/۳

یافته‌های تبیینی؛ پیش از پرداختن به فرضیه‌های پژوهش نخست بررسی می‌کنیم که آیا بین فضاهای شهری جدید و متغیرهای جمعیتی پژوهش رابطه وجود دارد یا خیر؟ با توجه به این که در این

پژوهش ۴ متغیر جمعیتی وجود دارد و هر یک از آن‌ها در سطوح متفاوتی سنجیده شده‌اند به صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سن و فضاهای شهری جدید؛ داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه‌ای معنادار و مثبت میان دو متغیر فضاهای شهری جدید و سن زنان وجود دارد. به این معنا که هر چه سن زنان پایین‌تر باشد تأثیرپذیری آن‌ها از فضاهای نوین شهری بالاتر هست و برعکس. مفهوم این یافته آن است که زنان جوان‌تر تأثیرپذیری بالاتری از فضاهای نوین دارند در حالی که زنان با سنین بالاتر (بیش از ۳۵ سال) به دشواری و با احتمال کم‌تر از محیط‌های جدید تأثیر می‌گیرند (اندازه آزمون: $0/۳۴۶ -$ و سطوح معناداری $0/۰۰۰$).

جدول (۳): یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون

اندازه آزمون	سطح معناداری
$0/۳۴۶ -$	$0/۰۰۰$

وضعیت تاهل، تحصیلات و حرفه؛ داده‌های حاصل از آزمون اف نشان می‌دهند که رابطه‌ای معناداری میان دو متغیر فضاهای شهری جدید و وضعیت تاهل زنان وجود دارد. به این معنا که زنان مجرد در مقایسه با زنان متاهل، نگرش مثبت‌تری نسبت به فضاهای جدید شهری دارند. این مسئله به این معنا است که تاهل بر فضاهای جدید شهری مؤثر است. این رابطه میان فضاهای شهری جدید و تحصیلات زنان نیز صادق می‌باشد. این مسئله به این معنا است که زنان با تحصیلات بالاتر، بیش‌تر از فضاهای جدید شهری تأثیر می‌پذیرند. سرانجام براساس داده‌ها نوع حرفه و شغلی که زنان انتخاب می‌کنند، بر نگرش آن‌ها نسبت به فضای مدرن شهری و در نتیجه بازاندیشی نامؤثر می‌باشد. به این معنا که زنان با هر نوع وضعیت حرفه‌ای و شغلی، نگرش یکسانی نسبت به فضاهای جدید شهری دارند.

جدول (۴): یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون

متغیر	میاتکین	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میاتکین	F	سطح معناداری
وضعیت تاهل	میاتکین بین گروهی	۱۴/۰۹۶	۵۵	۰/۲۵۶	۱/۳۶۴	۰/۱۱۷
	میاتکین درون گروهی	۵۵/۶۰۰	۳۷۴	۰/۲۰۴		
تحصیلات	میاتکین بین گروهی	۱۰۹/۰۹۵	۵۵	۱/۹۸۴	۱/۳۷۲	۰/۰۵۴
	میاتکین درون گروهی	۳۹۶/۰۵۷	۳۷۴	۱/۴۴۵		
حرفه (شغل)	میاتکین بین گروهی	۱۲۳/۶۸۶	۵۵	۲/۳۴۹	۰/۹۸۶	۰/۵۰۸
	میاتکین درون گروهی	۶۲۴/۸۸۷	۳۷۴	۲/۲۸۱		

آزمون فرضیه‌های پژوهش؛ فرضیه اول بیان می‌دارد که فضاهای شهری جدید بر مقاومت نسبت به کلیشه‌های جنسیتی زنان مؤثر است. برای اندازه‌گیری این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده کرده‌ایم. داده‌های حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهند که رابطه‌ای معنادار و منفی میان دو متغیر فضاهای شهری جدید و کلیشه‌های جنسیتی زنان وجود دارد. به این معنا که هر چه میزان فضاهای نوین شهری در سطح جامعه بیش‌تر باشد و هر چه زنان گرایش و تمایل بیش‌تری به کاربرد این فضاها داشته باشند

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازانديشی هویتی زنان

کلیشه‌های جنسیتی تضعیف بیش‌تری نزد زنان می‌یابد و برعکس؛ به عبارت دیگر این یافته به این معنا است که حضور زنان در باغ‌های بانوان در اصفهان توانسته است توان مقاومت زنان را در برابر کلیشه‌های جنسیتی افزایش دهد و باعث گردد آن‌ها نسبت به گذشته، بیشتر در برابر انگاره‌هایی از که پیش از این در جامعه طراحی شده و انتظارات زنان را شکل می‌دهد مقاومت کنند. به این ترتیب این فرضیه نشان می‌دهد که وجود این فضاها و باغ‌ها می‌تواند کلیشه‌های جنسیتی سنتی زنان را تغییر داده و آن را به دیدگاه‌ها و ایده‌های جدیدتر مبدل سازد.

جدول (۵): یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون

اندازه آزمون	سطح معناداری
۰/۳۷۷**	۰/۰۰۱

فرضیه دوم بیان می‌دارد که بین فضاهای شهری جدید و هویت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد. داده‌های حاصل از آزمون پیرسون در رابطه با فرضیه بالا نشان می‌دهند که رابطه‌ای معنادار و مثبت میان دو متغیر فضاهای شهری جدید و هویت اجتماعی زنان وجود دارد. به این معنا که هر چه میزان فضاهای نوین شهری در سطح جامعه بیش‌تر باشد و هر چه زنان گرایش و تمایل بیش‌تری به کاربرد این فضاها داشته باشند، هویت اجتماعی زنان ضعیف‌تر است و برعکس. به این ترتیب این فرضیه نشان می‌دهد که وجود این فضاها و باغ‌ها می‌تواند هویت وابسته زنان را تغییر داده و آن را به هویت فردی‌تر مبدل سازد؛ به عبارت بهتر زنان با مراجعه به باغ‌های بانوان به تدریج از هویت اجتماعی و وابسته خود فاصله گرفته و می‌آموزند که هویت مستقل داشته باشند. اندازه آزمون در اینجا ۰/۲۳۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ حاصل شده که حاکی از رابطه مطلوب و معنادار میان دو متغیر مذکور است.

جدول (۶): یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون

اندازه آزمون	سطح معناداری
-۰/۳۳۷**	۰/۰۰۱

فرضیه سوم بیان می‌دارد که بین فضاهای شهری جدید و مدیریت بدن زنان رابطه وجود دارد. داده‌های حاصل از آزمون پیرسون در رابطه با فرضیه بالا نشان می‌دهند که رابطه‌ای معنادار و مثبت میان دو متغیر فضاهای شهری جدید و مدیریت بدن زنان وجود دارد. به این معنا که هر چه میزان فضاهای نوین شهری در سطح جامعه بیش‌تر باشد و هر چه زنان گرایش و تمایل بیش‌تری به کاربرد این فضاها داشته باشند زنان نسبت به گذشته توجه بیش‌تری را به بدن خویش مبذول می‌دارند و برعکس. به این ترتیب این فرضیه نشان می‌دهد که وجود این فضاها و باغ‌ها می‌تواند نگرش زنان را نسبت به مدیریت بدن خویش تغییر داده و آن را متحول سازد. اندازه آزمون در اینجا ۰/۳۷۹ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ حاصل شده که حاکی از رابطه مطلوب و معنادار میان دو متغیر مذکور است.

جدول (۷): یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون

اندازه آزمون	سطح معناداری
۰/۳۲۹**	۰/۰۰۱

فرضیه اصلی پژوهش؛ سرانجام فرضیه اصلی پژوهش بیان می‌دارد که تغییرات فضاهای نوین شهری بر بازاندیشی هویت زنان مؤثر است. داده‌های حاصل از آزمون رگرسیون در رابطه با فرضیه بالا نشان می‌دهند که رابطه‌ای معنادار و مثبت میان دو متغیر فضاهای شهری جدید و بازاندیشی هویت زنان وجود دارد. به این معنا که هر چه میزان فضاهای نوین شهری در سطح جامعه بیشتر باشد و هر چه زنان گرایش و تمایل بیشتری به کاربرد این فضاها داشته باشند زنان بیشتر در رابطه با هویت خود به بازاندیشی می‌پردازند و از این رو ممکن است در خود تغییراتی ایجاد کنند. تصور می‌رود که بازاندیشی هویت منجر به دو گونه تغییر گردد: نخست تغییرات نظری و اندیشه‌ای و دوم تغییرات عملی؛ بنابراین این فرضیه نشان می‌دهد که فضاهای شهری جدید می‌تواند هم بر دیدگاه نظری و هم بر تغییرات عملی شخصیتی- هویتی زنان مؤثر باشد. به این ترتیب این فرضیه نشان می‌دهد که وجود این فضاها و باغها می‌تواند تفکر بازاندیشانه زنان را تغییر داده و آن را از حالت سنتی به شکلی نوین و جدید مبدل می‌سازد. اندازه آزمون در اینجا ۰/۱۵۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۴ حاصل شده که حاکی از رابطه نسبتاً مطلوب و معنادار میان دو متغیر مذکور است.

جدول (۸): یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون

اندازه آزمون	سطح معناداری
۰/۱۵۸**	۰/۰۰۴



شکل (۱): رابطه معادلات ساختاری

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازانديشی هویتی زنان

معادله برای مدل نخست: تأثیر مؤلفه‌های فضاهای نوین شهری بر بازانديشی هویت.

$$Y = ax_1 + bx_2 + cx_3 + dx_4 + e ; Y = 0.262x_1 + 0.229x_2 + 0.131x_3 + 0.109x_4 + 0.94160$$

معادله برای مدل دوم: تأثیر مولفه های فضاهای نوین شهری بر مولفه‌های بازانديشی هویت.

$$Y = f(x_1 + x_2 + x_3 + x_4 + x_5 + x_6) = ax_1 + bx_2 + cx_3 + dx_4$$
$$Y = f(x_1 + x_2 + x_3 + x_4 + x_5 + x_6) = 0.22 x_1 + 0.34 x_2 + 0.35$$

مروری بر یافته‌های توصیفی و تحلیلی؛ این پژوهش به منظور مطالعه رابطه میان فضاهای نوین شهری و بازانديشی هویت زنان طراحی و تدوین شد. منظور این است که فضاهای نوین شهری که به تدریج به شهرها اضافه می‌شوند چه تأثیری می‌توانند بر هویت جدید افراد و انديشیدن در مورد هویت قبلی خود داشته و آن را تغییر دهند. این مسئله به‌ویژه در مورد زنان صادق است؛ زیرا به تازگی پارک‌هایی در برخی از شهرهای بزرگ ایران تأسیس شده‌اند که مخصوص بانوان هستند. با توجه به این که جامعه ایران به لحاظ جنسیتی و از نظر نوع نگرش نسبت به زنان، شرایط ویژه‌تری دارد، تأسیس این پارک‌ها می‌تواند بازانديشی خاصی را در آن‌ها نسبت به هویت فردی و اجتماعی آنان ایجاد نماید. این مطالعه کوشیده است تأثیر این پارک‌ها را در شهر اصفهان مورد مطالعه قرار داده و دریابد که این فضاهای نوین در واقعیت، چقدر توانسته‌اند در کنار آثار مستقیم آن‌ها، پیامدهایی را به دنبال داشته باشند که ممکن است از ابتدا مورد توجه مسئولین و پایه‌گذاران این پارک‌ها نبوده باشد. یافته‌های اولیه نشان داده‌اند که در این مطالعه، زنانی با ویژگی‌های متفاوت به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده‌اند. از لحاظ سنی، زنان متعلق به سه گروه جوان، میان‌سال و بزرگسال بودند که اکثرشان به گروه میان‌سالی اختصاص داشتند. همچنین اغلب زنان بیان کرده بودند که متأهل‌اند و اکثر آن‌ها تحصیلات متوسط و رو به پایینی داشتند و خانه‌دار بوده‌اند؛ بنابراین محقق در این پژوهش با زنانی روبه‌رو بوده است که از رویکرد سنتی برخوردار بوده‌اند و تحلیل تأثیر فضاهای نوین بر بازانديشی هویت آنان می‌تواند یافته‌های عمیقی را به دست دهد.

یافته‌ها در مورد بازانديشی هویت نشان داده‌اند که این متغیر وضعیت نسبتاً نامطلوبی را در میان زنان مراجعه کننده به باغ‌های بانوان در اصفهان دارد. این نتیجه با توجه به توصیفاتی که در مورد نمونه آماری ارائه شد دور از انتظار نیست؛ زیرا اکثر این زنان تازه به باغ بانوان رجوع کرده‌اند و ثانیاً گروه‌های خاصی را تشکیل می‌دهند که کم‌تر می‌توانند در معرض تغییر باشند. به همین دلیل اکثر مؤلفه‌های فرعی این متغیر شامل هویت اجتماعی، مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی و مدیریت بدن (زیبایی چهره، تناسب

اندام، بهداشت بدن) وضعیت ضعیف یا متوسطی داشته‌اند که بار دیگر مؤید وضعیت نسبتاً نامطلوب بازاندیشی هویت در زنان مراجعه‌کننده به باغ‌های بانوان شهر اصفهان است. در این میان بر اساس گفته زنان، مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی ضعیف‌ترین و مدیریت بدن قوی‌ترین مؤلفه‌ها بوده‌اند. این مسئله گویای نکته مهمی است و نشان می‌دهد که زنانی که به باغ‌های بانوان در اصفهان مراجعه کرده‌اند تغییراتی را پذیرا شده‌اند. با این وجود به دلیل جدید بودن تردد زنان در این باغ‌ها، بازاندیشی صورت گرفته غالباً تنها در زمینه فردی رخ داده و هنوز در وادی اجتماعی عملی واقع نشده است. به این ترتیب می‌توان امیدوار بود که در ادامه روند این حرکت، زنان بازاندیشی عملی را نیز تجربه کنند اما این مسئله مستوجب تداوم تردد زنان در این پارک‌ها است. در حالی که داده‌ها نشان می‌دهند که اغلب زنان تنها دفعات محدودی به این پارک‌ها مراجعه کرده‌اند؛ بنابراین در صورتی مراجعه زنان به پارک‌ها موجب تغییرات عملی‌تر خواهد شد که این رفتار ادامه یابد. در اینجا علاوه بر علاقه فردی زنان برای عبور و مرور و رفتن به پارک‌ها، ویژگی‌های این فضای نوین نیز مؤثر است. دریافت مشخصات پارک‌ها از دیدگاه زنان نشان می‌دهد که اغلب آنان فضاهای نوین شهری را مطلوب نمی‌دانند. به طوری که به اعتقاد اکثر زنان، وضعیت امنیت یا آرامش و طراحی فضای درونی پارک‌ها نامناسب می‌باشند و سایر مؤلفه‌ها (طراحی فضای بیرونی و نحوه گذران اوقات فراغت) مطلوب‌ترند. این مسئله نشان می‌دهد که زنان به مسائل مهم‌تری در پارک‌ها اهمیت می‌دهند و گذران اوقات فراغت یا طراحی فضای بیرونی برای آن‌ها اهمیت کمتری دارد. لازم به توضیح است که نگرانی زنان از فضای پارک‌ها نیز صبغه‌ای روانی-اجتماعی دارد. به این معنا که زنان به دلیل این که تاکنون از فضاهای خصوصی بی‌بهره بوده‌اند علی‌رغم شکل‌گیری پارک‌های ویژه بانوان، همچنان احساس ناامنی و نگرانی دارند و زمان بیش‌تری می‌طلبند تا آرامش خاطر کامل برای زنان به‌واسطه این محیط‌ها ایجاد گردد و این مسئله نیازمند اطمینان‌خاطری است که می‌بایست از سوی مسئولان و طراحان پارک‌ها به زنان منتقل شود.

بحث و نتیجه‌گیری

به اعتقاد اغلب محققان نظیر گیدنز، برگر، بوردیو، هویت همواره تحت تأثیر متغیرهای کلان یا خرد قرار می‌گیرد و به‌واسطه آن‌ها تغییر می‌یابد. در گذشته این تغییرات اغلب به رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی و ... نسبت داده می‌شد که اغلب آن‌ها جنبه مجازی داشته‌اند در حالی که در این مطالعه یک فضای واقعی شامل پارک‌ها و باغ‌های بانوان مورد مطالعه قرار گرفته است تا تأثیر واقعی آن‌ها را بر بازاندیشی هویتی دریابد. در پژوهش حاضر این مطالعه در مورد زنان صورت گرفت زیرا به اعتقاد محمدی (۱۳۹۸) که تحقیق گسترده‌ای را در زمینه بازاندیشی زنان در ایران انجام داده است زنان بیش از هر گروه دیگری در معرض تغییرات بازاندیشانه قرار دارند زیرا مردان همواره آزادی‌های نسبی بیش‌تری نسبت به

زنان داشته‌اند و به همین دلیل هر گونه تغییر کلان در جامعه که مرتبط با آزادی‌های زنان باشد تأثیرات بیش‌تری را نسبت به سایر گروه‌های جامعه بر روی آنان می‌گذارد.

در این مطالعه، چارچوبی تنظیم شد که غالباً بر نظریه گیدنز متکی بوده است. گیدنز (۱۳۹۲) بر این باور است که یک فضای نوین شهری می‌تواند مؤلفه‌های بازانديشی را در زنان تقویت سازد. این مؤلفه‌ها دامنه وسیعی دارند و می‌توانند فراتر از آنچه گیدنز بیان کرده است باشند. از همین رو در این پژوهش علاوه بر مؤلفه‌هایی که گیدنز عنوان نموده است، مؤلفه‌هایی از جامعه ایران به واسطه تحقیقات داخلی نیز انتخاب شده‌اند. این مؤلفه‌ها از تغییر در اندیشه زنان تا تغییرات عمده‌تر نظیر مدیریت بدن و مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی را شامل می‌گردد. یافته‌های این پژوهش نشان داده‌اند که در صورت وجود فضاهای نوین شهری در یک جامعه هر دو حالت از تغییرات و تحولات یعنی هم تغییرات نظری و ذهنی و هم تغییرات عملی امکان‌پذیر هست؛ بنابراین انتظار می‌رود که چنانچه زنان از باغ‌ها و پارک‌های نوین شهری استقبال کنند تغییرات گسترده‌ای در درازمدت در آنان به وجود آید. گیدنز (۱۳۹۲) این تغییرات را بازانديشی در مورد هویت شخصی می‌نامد و بر این باور است که این فضاها به واسطه تفکرات جدیدی که ایجاد می‌کنند و رفتارهای عملی و کنشی که به وجود می‌آورند، افراد را مستعد تغییر می‌سازند و این تغییرات می‌تواند در درازمدت کل هویت زنان را متأثر سازد به صورتی که آنان را به یک فرد دیگر با هویت جدیدتر مبدل سازد. وستر (۲۰۱۶) این تغییرات را به فضاهایی نسبت می‌دهد که ویژگی‌هایی جدید دارد و پیش از آن وجود نداشته است و به همین دلیل زنان قبلاً نمی‌توانسته‌اند از آن‌ها برخوردار باشند (محمدی، ۱۳۹۸). به عنوان نمونه پارک‌هایی که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته‌اند برخی از محدودیت‌های تردد زنان در جامعه ایرانی را ندارند و به همین دلیل نوعی فضای جدید محسوب می‌شوند که ویژگی‌های خاص جامعه سنتی را ندارند و از همین رو زنان علاوه بر آشنا شدن با افراد جدیدتر به دلیل حضور صرف در آنها می‌توانند نگرش نوینی را در مورد خود تجربه کنند. این فضاها پیش‌تر در جامعه ایرانی وجود نداشته‌اند و اکنون به دلیل سیاست‌گذاری‌های جدیدتر به تدریج در کشور در حال شکل‌گیری هستند. در این پارک‌ها زنان به گفتمان‌هایی می‌پردازند که پیش از آن هرگز در فضای بیرونی جامعه رایج نبوده‌اند. گفتگو در رابطه با حقوق برابر زن و مرد، اندیشیدن در رابطه با سنتی و نبود فضاهای ایمن و جدید و ... از جمله چالش‌هایی هستند که به اعتقاد محمدی (۱۳۹۸) زنان با حضور در این فضاها درباره آن‌ها می‌اندیشند. در این مکان‌ها زنان از هر سن یا رده شغلی ممکن است به بازانديشی در رابطه با هویت خود بپردازند و در همین اثنا ممکن است تغییراتی را به صورت خودآگاه در خود ایجاد نموده یا به تدریج متوجه بروز تغییراتی هویتی در خود شوند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده‌اند که این تغییرات در دو حوزه رخ می‌دهند: نخست آشنایی با محدودیت‌هایی که قبلاً وجود داشته و اکنون می‌تواند وجود نداشته باشد؛ نظیر برخی از کلیشه‌های جنسیتی که قبلاً وجود داشته و اکنون زنان به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند به تدریج در برابر برخی از آن‌ها مقاومت کنند؛ و دوم فرصت‌هایی که

در نتیجه این بازاندیشی ایجاد می‌گردد. نظیر پرداختن به مدیریت بدن که ممکن بود قبلاً زنان با آن‌ها آشنایی نداشته باشند اما اکنون دریافته‌اند که می‌توانند بدنی که را قبلاً به آن علاقه‌ای نداشته و تنها آن را تحمل می‌کرده‌اند تا حدودی تغییر داده و به بدن دلخواه خود تبدیل نمایند. این دیدگاه قبلاً به صورت ضمنی در نظریه‌گیدنز بیان شده است و به این ترتیب به نظر می‌رسد که نظریه وی بیش از هر نظریه‌پرداز دیگر به مسئله بازنگری زنان در باورها و رفتارهای آنان پرداخته باشد. در واقع زنان باغ‌ها و پارک‌های نوین را به منزله فرصتی برای جبران محدودیت‌ها و استفاده حداکثری از فرصت‌ها تلقی کرده‌اند و می‌کوشند از این امتیازات به وجود آمده به سود کاهش محرومیت‌های خویش استفاده کنند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر این مکان‌ها نوعی استقلال را در اختیار زنان می‌گذارد و باعث می‌گردد آن‌ها این فضاها را نوعی مکان خصوصی برای خود تلقی کرده و احساس کنند می‌توانند در آن‌ها بیش از سایر مکان‌ها به بازاندیشی درباره هویت خویش بپردازند. به همین دلیل براساس نظریه‌گیدنز، ما نیز معتقدیم که این مکان‌ها می‌توانند هویت نسبتاً جدیدی را در زنان ایجاد کنند. یک نکته اساسی در این جا آن است که با توجه به جدیدالتأسیس بودن این پارک‌ها شاید هنوز تأثیر آن‌ها به اندازه کافی بر زنان قابل مشاهده نباشد. در واقع ممکن است تحقیقات آتی که با گذشت زمان و استفاده بیش‌تر زنان از این فضاها همراه است، تأثیر بیش‌تر این فضاها را بر زنان نشان دهند.

منابع

- حجازی، ناصر. (۱۳۹۶). بررسی میزان تجددگرایی و تأثیر آن بر بازاندیشی هویت جوانان شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی. دانشگاه آزاد واحد دهاقان.
- رضایی، سولماز؛ برومند، مریم. (۱۳۹۰). تعاملات اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری: وجود یا عدم وجود. سومین کنفرانس ملی عمران شهری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
- عابدین‌زاده آستارایی، نرگس. (۱۳۷۶). بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت دختران منطقه ۱۷ آموزش و پرورش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تربیت‌بدنی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- کریمی، یزدان. (۱۳۹۴). مطالعات اجتماعی و فرهنگی. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران.
- کنعانی، محمد امین؛ حمیدی فر، مهدی؛ قربانی، ابوذر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر هویت جنسیتی مادران و دختران مطالعه شهر رشت. فصلنامه توسعه اجتماعی. دوره ۱۱ شماره ۳ بهار ۹۶.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر مدرنیته. ترجمه‌ی ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۵). دنیای زنان در پرتو فضاهای جنسیتی شهری مدرن. فصلنامه توسعه محلی روستایی - شهری. دوره هفتم، شماره ۲ پاییز و زمستان.

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویتی زنان

- محمدی، میثم (۱۳۹۸). فضاهای مدرن شهری و بازاندیشی هویت در میان شهروندان ایرانی؛ با تأکید بر جامعه زنان تهران، پایان‌نامه دکترای دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- Brooks, A and wee, I. (2008). Reflexivity and transformation of gender identity: reviewing the potential for change in cosmopolitan city, sociology vol 42, no 3, pp 503-521.

- Gottdiner, Hutchison. (2006). New urban sociology (3rd, 06).

Prigge, Walter. (2008), reading the urban revolution: space and representation in space, difference, everyday life, London, rut; edge.

- Vester, z. (2016). The relation between perceived safety in urban recreation parks, journal of applied sciences. Vol. 4.

